



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی  
معاونت توسعه منابع و پشتیبانی  
اداره کل امور اداری

## گروه آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی

مورخ ۱۳۹۹/۴/۲۱

عنوان جلسه: کارگاه فطرت‌گرایی توحیدی - روش تدریس نام استاد: دکتر ملکی

بسم الله الرحمن الرحيم

### لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

سلام و تحیت به محضر فرد فرد شما برادران و خواهران، برای همه شما آرزوی سلامت و عزت و سربلندی از خدای متعال دارم و تشکر می‌کنم از اینکه در این جلسات با حضور گرم‌تان بنده حقیر را دلگرم می‌کنید که من بتوانم این سلسله بحث را به یک نقطه نسبتاً مطلوبی ان‌شاءالله برسانم.

## روش تدریس

راجع به روش تدریس، دو سه نکته مقدماتی عرض می‌کنم تا از طریق چند اسلاید مطالب اصلی را مطرح کنم. در فرایند برنامه‌ریزی درسی به هر عنصری می‌رسیم، باید برنامه‌ریزی درسی آن عنصر را عمل کنیم، واژه برنامه‌ریزی درسی ممزوج است با همه عناصر. فلذا می‌توانیم بگوییم برنامه‌ریزی درسی هدف، برنامه‌ریزی درسی محتوا، برنامه‌ریزی درسی روش، برنامه‌ریزی درسی ارزشیابی و قس علیهذا. بر این اساس ما وقتی می‌خواهیم روش تدریس انتخاب کنیم، ساده‌ترین و غیر علمی‌ترین کار این است که بگوییم بسیار خوب در منابع متعدد الگوها و روش‌های تدریس وجود دارد. ما آن را باز می‌کنیم، یک تعدادی از آنها را انتخاب می‌کنیم این یک راه است. مخصوصاً اگر یک قدری هم شیفته یک مکتب خاصی باشیم می‌رویم سراغ آن روش تدریسی که با آن مکتب مورد علاقه ما تناسب دارد. این کار، کار غلطی است. کار درست این است که ما بیاییم بگوییم که اگر ما برای انتخاب روش، برنامه‌ریزی درسی بخواهیم انجام دهیم مراحل آن چیست؟ چون هر برنامه‌ریزی درسی مرحله‌ای دارد. در تعیین اهداف مرحله‌ای دارد، در محتوا همینطور، در روش هم به همین صورت. خوب این

نکته اول، پس ما با روش باید به زبان برنامه‌ریزی درسی برخورد کنیم که الآن عرایضم، اسلایدهای من مصداقی از همین خواهد بود.

نکته دوم این است که روش، یک قطعه‌ای از قطعات پازل برنامه درسی نیست. ما در انتخاب محتوا و سازماندهی محتوا، آنجا هم باید در فکر روش باشیم. در انتخاب اهداف هم باید در ذهن ما باشد که ما کدام راهبرد‌های یاددهی\_یادگیری را اجمالاً پذیرفته ایم، برای ما مطلوب است نه تفسیراً. آن جهت‌گیری ما چیست؟ همان چیزی در جلسه منطبق عرض کردم.

مثال بزنم، اگر شما در محتوا سازماندهی محتوا تان استقرایی شد، یعنی محتوا را از جزء به کل سازماندهی کردید در روش تدریس نمی‌توانید سراغ روش‌های قیاسی بروید. اگر سازماندهی محتوا شما قیاسی شد، یعنی از بالا به پایین چینش کردید خیلی نمی‌توانید سراغ روش‌های استقرایی بروید. البته اینجا نمی‌خواهم بگویم مطلقاً نمی‌توانید، غالباً نمی‌توانید.

شیوه سازماندهی شما محدود‌کننده روش‌های تدریس شما است. پس ما نگاهمان به روش نمی‌تواند این باشد که خوب الحمدلله محتوا انتخاب شد سازماندهی کردیم حالا نوبت به روش رسید. عیب ندارد نوبت به روش رسیده، اما این نوبت قبلاً رسیده. الآن تجلی پیدا کرده فلذا آنجا که شما سازماندهی محتوا می‌کنید، در حقیقت دارید انتخاب روش هم می‌کنید.

نکته سوم، روش تدریس یک ویژگی دارد که هیچ یک از عناصر دیگر ندارد. نه محتوا دارد نه هدف دارد نه سازماندهی دارد هیچ کدام. آن ویژگی این است که روش تدریس اتصال بین نظر و عمل است. یعنی آن عنصری که نظر را، تئوری را، تصمیمات را، به صحنه عمل می‌آورد مواجهه با واقعیت‌ها می‌کند روش است. یعنی در اجرای روش معلوم می‌شود این برنامه نقاط قوت و نقاط ضعف آن ویژگی‌های آن چیست.

اصولاً روش تدریس برملا‌کننده ماهیت تصمیمات است. ما این ویژگی را در سایر عناصر نداریم به این شکل که نقطه اتصال نظر و عمل باشد. حالا از این چه پیامی می‌گیریم؟ اگر روش‌های تدریس را خوب انتخاب کرده باشیم این اتصال خوب برقرار می‌شود اگر روش‌های تدریس را بد انتخاب کرده باشیم، اتصال بد برقرار می‌شود

جواب زیاد نمی‌گیریم با توجه به این سه نکته، باید شما عزیزان که در حوزه‌ها دارید کار میکنید و الان خبر دارم که الحمدلله دارد پیشرفت حاصل می‌شود و می‌رسیم به یک موقعیت‌های بهتر باید بدانید که در مسئله روش تأمل لازم است. از سهل‌انگاری از آسان‌گرفتن از اینکه این همه روش‌های تدریس وجود دارد چند تا هم ما انتخاب می‌کنیم از این‌ها خودتان را بر حذر دارید. البته اینجا غرض نیست که از روش‌های تدریس موجود بهره‌برداری نکنیم اما هر چه بهره‌برداری می‌کنیم آگاهانه بهره‌برداری کنیم بدانیم چه کار داریم می‌کنیم.

فطرت‌گرایی توحیدی در قدم‌به‌قدم ما به هوشیاری احتیاج دارد برای اینکه اگر بنا بود از مدل‌های کنونی استفاده کنیم که دیگر فطرت‌گرایی توحیدی نبود. می‌گفتیم این همه الگو وجود دارد ما هم تابع یکی از آنها و همان مدل را می‌گیریم ما که بنای تقلید نداریم اگر بنای تقلید داشتیم که کار ما سخت نبود ما بنای تاسیس داریم. خودتان را برای این آماده کنید هیچ نگران نباشید و نترسید پیش می‌رویم.

برخی از نکات را امروز من به شما عرض می‌کنم دیگر تکمیلی‌اش را شما در گروه‌های تحول‌تان کارگروه‌تان انشاءالله دنبال خواهید کرد. ببینید خیلی خلاصه مطرح می‌کنم خیلی ذهن شما را درگیر خیلی چیزهای فنی و پیچیده نکنم سعی می‌کنم قدری به هر حال می‌خواهیم عمل کنیم دیگر تا حدودی آسان‌سازی کنیم آن چیزهایی را که مد نظر است.

برای روش‌های تدریس این چهار مرحله را ما باید انجام دهیم: **تعیین منابع، تحلیل منابع، تعیین ویژگی‌های عام تدریس و تعیین ویژگی‌های خاص تدریس.** این ویژگی‌های خاص، خاص هر حوزه تربیت و یادگیری.

**تعیین منابع**، روش تدریسی که می‌خواهیم انتخاب کنیم از کدام منابع باید الهام بگیریم از کدام منابع باید خط بگیریم، دلالت منابع چه هستند عرض خواهیم کرد من در اینجا با نگاه فطرت‌گرایی توحیدی منابع را می‌خواهم به شما معرفی کنم **دوم تحلیل منابع**، انتخاب کردیم آن منبع را باید تحلیل کنیم تبیینی داشته باشیم و بعد ویژگی‌های عام تدریس را که دیگر ربطی به یک حوزه خاص ندارد ویژگی‌های عام تدریس است و بعد ویژگی‌های خاص تدریس را ما مشخص کنیم حالا همین که ادامه می‌دهیم مسئله روشن تر خواهد شد.

یکی از منابع ما که مهمترین آن است **برنامه درسی ملی** اصلی‌ترین منبع ما است. که ما باید از برنامه درسی ملی الهام بگیریم روش های تدریس مان را انتخاب کنیم فلذا اشارات روشی در برنامه درسی ملی برای ما اهمیت دارد حالا آن مقداری که بنده این سند را مطالعه کردم به این اشارات رسیدم ممکن است شما مطالعه کنید موارد دیگری اضافه شود یا کم شود به هرحال من فهمم این بود.

**کمک به شکوفایی فطرت** یعنی روشی که انتخاب میکنیم باید آن روش به شکوفایی فطرت کمک کند صدمه زننده به فطرت نباشد. آیا روش به فطرت صدمه ممکن است بزند؟ بله فراوان.

**دوم امکان درک و تغییر پدیده ها و وقایع و روابط** یعنی روش تدریسی که انتخاب می‌کنیم این امکان را فراهم کند برای اینکه یادگیرنده درک کند پدیده ها را وقایع را روابط آنها را.

**سوم کاوشگری و تلاش برای یافتن پاسخ این پرسش ها** را یاد بدهد. کاوشگری را، تحقیق را.

**امکان درک و تغییر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه علی را کمک کند** بدیهی است که اینها همه شان در یک روش جمع نمی شوند مجموعه روش ها باید چنین ظرفیتی را ایجاد کند.

**امکان مرور شایستگی های کسب شده توسط دانش آموز** که حالا اسم دیگر این طبق یافته های روانشناسان می تواند فراشناخت باشد شما شنیده‌اید واژه فراشناخت را (Metacognition) فراشناخت یعنی فرد فرایند شناخت خود را درک کند که چگونه درک کرده است.

فرصت برای پیوند ایجاد کند آن روش تدریس یا روش های تدریس بین نظر و عمل، بین دانش و تجارب پیشین، یادگیری های نوین حوزه ها و دروس با یکدیگر، روش های فعال و خلاق و تعالی بخش زمینه سازی برای تولید علم امکان بهره گیری هوشمندانه از فناوری نوین آموزشی.

ممکن است بفرمایید که تولید علم در آموزش و پرورش ممکن است بعید به نظر بیاید تولید علم که کارش در دوره دکترا است. تولید علم زیرساخت های آن در آموزش و پرورش دارد اتفاق می‌افتد خود علم آنجا تولید نمی شود قابلیت های تولید

علم آنجا است این را شاید بعضی ها عنایت نمی کنند تصور می کنند وقتی که می گوییم تولید علم یعنی یک مثلاً استاد

فلان رشته چند سال تحقیقات کرده آن تولید علم می‌کند شما در دوره ابتدایی هم مهارت‌های بنیادین تولید علم را می‌توانید. مثلاً شما اگر بخواهید یک فرد را اندیشمند بار بیاورید یعنی دارید به تولید علم کمک می‌کنید یا کاوشگر بار بیاورید اینها زیر بناهای تولید علم است مگر میشود تولید علم منهای اندیشه ورزی؟ اصلاً قابل تصور است انسان اندیشه ورز نباشد ولی مولد علم باشد؟ این اندیشه ورزی در دوره ابتدایی در دوره متوسطه است و امثال اینها. شما از این نظر به تولید علم نگاه کنید و جالب است واژه تولید علم در این سند هم آمده در برنامه درسی ملی هم ذکر شده.

زمینه سازی کنید برای تولید علم یعنی روش تدریس ما این قابلیت را ایجاد کند. و امکان بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی. اینها اشارات روشی است در برنامه درسی ملی.

برنامه درسی ملی به عنوان یکی از منابع ما است. بعد تحلیلی آن هم این است که ما هر کدام از اینها را تحلیل کنیم ربطش را به روش مشخص کنیم که نیازمند گفتگوهای علمی بین خودتان است.

دومین منبعی که ما حتماً باید به آن توجه کنیم، و الا روش‌های تدریس ما نمی‌تواند سبقه فطرت‌گرایی توحیدی پیدا کند روش تربیت در قرآن است یا روشهای تربیت در قرآن. که البته این بحث خیلی زیادی را می‌طلبد. من واقعاً اشاراتی و

اجمالی در اینجا آوردم که به شما بگویم که چه جایگاهی دارد. **در برنامه درسی ملی** روش تدریس کافی نیست می‌گوییم **روش تربیت و تدریس** چون واژه تربیت برای ما اهمیت دارد تقاضا می‌کنم این را هیچ موقع فراموش نکنید. ما با تربیت

نباید فاصله بگیریم در روش‌های تدریسی که انتخاب میکنیم حالا در قرآن به عنوان کتاب هدایت حقیقتاً روش‌های تربیتی متعددی آمده، آنهایی که مآنوس اند با این بحث و علاقه دارند مراجعه کردند می‌دانند چقدر کتاب‌های متعددی هم نوشته

راجع به روش‌های تربیت در قرآن. بدیهی است که نمی‌توانیم بگوییم روش‌های تدریس در قرآن چون قرآن که کتاب روش تدریس نیست، قرآن کتاب هدایت است اما در داخل آن روش‌های تربیت است منتها این روش‌های تربیت عام و کلی

هستند، به هم پیچیده اند شما یک موضوعی را در قرآن پیدا نمی‌کنید که مستقل از سایر موضوعات مطرح شود آن در هم تنیدگی نوع قرآنی را در این جا می‌شود پیدا کرد یک مرتبه در قرآن می‌بینید یک بحث درباره مثلاً فلان مسئله اجتماعی

بلافاصله آیه بعد درباره معاد است، درباره توحید است، این در هم پیچیدگی یا تلفیق، تلفیق موضوعات به هم، در قرآن مکرر می‌بینید بیان استدلالی و اغنایی قرآن بیانش استدلالی است، اغنایی است این همه به تفکر دعوت می‌کند انسان‌ها را چقدر قرآن می‌گوید چرا فکر نمی‌کنید چرا تأمل نمی‌کنید چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید یعنی می‌خواهد به هر حال افراد متفکرانه برخورد کنند. اینها آن ویژگی‌های شاید کلی تربیت باشد اما من روی این تأملی کرده‌ام برای تان تنظیم کرده‌ام فقط پیشنهاد می‌دهم ببینید که شما در کار خودتان چگونه می‌توانید روش تربیتی قرآن را احصا کرده‌ام، تنظیم کرده‌ام در این سیکل مفاهیمی شما اینها را ملاحظه می‌کنید. البته روش‌های تربیتی قرآن فقط اینها نیست اما خوب این‌ها معمولاً مرسوم‌تر و معروف‌تر هستند.

وقتی که روش‌های تربیت در قرآن شد یک منبع دلالت عملی‌اش چیست؟ دلالت عملی‌اش این است که آن زمانی که می‌خواهید روش تربیت و تدریس انتخاب کنید باید ببینید که از این دلالت‌های قرآنی در حوزه مربوط به خودتان در کجاها می‌توانید بهره‌برداری کنید، کدام روش تربیتی قرآنی را با آن روش‌های تربیتی و تدریسی حوزه خودتان را می‌توانید گره بزنید کدام یک از اینها می‌تواند همراه آن روش‌های شما شود، کدام یکی می‌تواند ممزوج آن روش‌های شما باشد اینها را دیگر من به عهده خودتان می‌گذارم روی آن فکر کنید. آنچه که بنده الزام آور می‌دانم و این را برای شما الزاماً تقاضا می‌کنم این است که ما نمی‌توانیم بدون توجه به روش‌های تربیتی در قرآن در رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی روش تدریس تعیین کنیم باید نسبتان را با روش‌های تربیت در قرآن معین کنیم. که البته در برنامه درسی ملی به اینجا که رسیده سست برخورد شد. یعنی الان بنده نگاه می‌کردم بخواهم یک نقدی به برنامه درسی ملی از موضع خودم بنویسم یک مقاله می‌توانم بنویسم. چون یک یادداشت‌هایی هم کرده‌ام بعضی جاها ضعیف برخورد کرده برنامه درسی ملی اما چون بنیان را می‌فهمیم چیست آن بنیان ما را رها نمی‌کند. آن اساس فلسفی من و شما را نباید رها کند. به نقطه روش رسیدیم، عیب ندارد در همان نقطه روش هم باید آویزان شویم از فلسفه. ما در آویختگی خودمان را از فلسفه خودمان هیچ موقع نباید فراموش کنیم. به روش هم رسیدیم روش جنبه عملی دارد اما این عمل به کجا وصل است؟ من تقاضا می‌کنم روی این فکر کنید در حوزه خودتان چه نسبتی بین روش‌های تربیتی قرآنی و روش‌های تدریسی حوزه شما وجود دارد؟

حالا این مواردی است که بنده به ذهنم رسیده شما مطالعه کنید آن عضو معارفی که در شورای شما معارف خوانده یا اعضای که معارف خوانده اند دیگران اینها را باید کمک کنند و خود اعضای آن تیم باید اندیشه کند. شما نمی‌توانید بگویید که من روش های تدریس انتخاب کردم هیچ نگاهی به این کتاب قرآن نداشتم. نمی‌شود چنین چیزی. البته نسبت ها فرق دارد؛ مثلاً نسبت بین حوزه علوم با روش های تربیتی قرآن مثل نسبت فرض بفرمایید حوزه قرآن و عربی نیست آن قرآن و عربی نیست آن قرآن و عربی که خود قرآن است یا آن حوزه حکمت و معارف اسلامی این نسبت ها شفاف تر است. اما ما می‌توانیم بگوییم که ما در درس علوم می‌توانیم بگوییم در ما علوم ما هیچ نسبتی با این بحث ها ندارد؟ خوب من دیدم آن جدولی که به من داده بودید آنجا سخن از آیات الهی نام بردید پدیده را طبیعت را، آزمایش را شما به عنوان خلقت به آن نگاه می‌کنید نه به عنوان طبیعت بریده ای از ماوراء، اینجا خود به خود قرآن مطرح می‌شود منبع اول چه شد؟ اشارات روشی برنامه درسی، منبع دوم؟ روشهای تربیت قرآنی، منبع سوم؟ یادگیری در متون علمی و آموزشی جدید. این را به این خاطر می‌آوریم به شما عرض بکنیم که این همه تاکید می‌کنیم به قرآن به معنای بی‌اعتنایی به تجارب نوین نیست مثلاً بگویم ما دیگر کار نداریم که در دنیا چه می‌گذرد مثلاً ما دیگر کار نداریم در ادبیات علمی روشهای تدریس چه چیزهایی آمده آنها را ببندیم بگذاریم کنار نه این را خود دین از ما نمی‌پذیرد برای اینکه شما اگر در جایی تجارب مفیدی یافتید تجارب نوینی دیدید به درد شما می‌خورد تضادی هم با نگاه تربیتی شما ندارد اگر استفاده نکنیم خسران دیده ایم اما نکته اینجاست که میزان و نوع بهره برداری ما چه باشد. من در همین جا که الان تنظیم کرده ام برای شما آن نقطه هایی که نیاز به تأمل دارد عرض می‌کنم.

من از مطالعات خودم از این تدریس و یافته ها و مقالات و اینها حقیقتاً یازده نکته از نکاتی که در متون علمی وجود دارد گاهی تدریس می‌کنیم من خورد می‌کنیم اینها را اشاره وار برای شما آورده ام با یک توضیح مختصری به شما این نکته را بگویم که شما همان طوری که از قرآن بهره می‌گیرید از برنامه درسی ملی استفاده می‌کنید باید ببینید که در دنیا چه خبر است منتها در دنیا باید شما هوشمندانه انتخاب کنید نه شیفته این مکتب و آن مکتب همینطوری با عرض معذرت بگویید من **constructivist** هستم خوب یعنی چه **constructivist**؟ از مبانی فلسفی اش خبر دارید یا بگوییم که ما

کودک محورانه عمل میکنیم، کودک محوری یک فلسفه است. شیفتگی مبنا دارد مبنای فلسفی دارد باید به آنها توجه کنیم البته در آنجا نکات قابل استفاده ای هم وجود دارد ولی نقشه مال آنها نمی تواند باشد برای ما تجربیات نوین وجود دارد مثلاً ببینید یادگیری مادام العمر الان در دنیا مطرح است ما هم برای آن اهمیت قائل هستیم الان در دنیا راجع به یادگیری مادام العمر سازمان‌های بین‌المللی تشکیل داده‌اند خوب یادگیری مادام العمر بد است؟ خوب مگر در دین خود ما نیست که «اطلبوا العلم من المهدی إلى اللهد» یادگیری مادام العمر است میگویم بسیار خوب دنیا دارد به این تاکید می کند؟ ما هم روش های تدریس مان را طوری انتخاب کنیم این آدم را مادام العمر یادگیرنده بار بیاورد که چیز خوبی است حالا چون در دنیا هم مطرح می شود فهر کنیم از آن؟ عقل و منطق این را تایید می کند یک لحظه هایی در اعتقادات ما هست شخصی سازی یادگیری و نقش معلم خوب ما در اینجا گیر داریم. یعنی می خواهیم یک به یک برای شما عرض کنم گیر داریم یعنی چه. ما تدریس مان را اصطلاحاً **personalized** نمی توانیم بکنیم نه ممکن است نه نگاه فطرت گرایی ما به ما این اجازه را می دهد خوب در نگاه اومانیستی وجود دارد حالا وجود دارد ما هم تبعیت کنیم؟ نه. ما می‌گوییم ما در اینجا گیر داریم ما شخصی سازی تدریس یک نگاه فردگرایانه به تدریس است ما که فردگرا نیستیم. البته نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که ما در تدریس مان حداقل امکان از گرایشات از نیازها از توانایی‌های فرد باید با خبر شویم مطلع شویم خیلی خوب است اما تعمداً نقشه تدریس ما برود **personalized** شود، انفرادی شود... برای اینکه ما بین دانش‌آموزان یکپارچگی داریم همه دانش‌آموزان کلاس من علی و تقی و حسین و هر که هست در یک چیز مشترک است آن چیز چیست؟ فطرت.

آن کسی که می‌گوید ما شخصی سازی آنجا به فطرت الهی کودک که قائل نیستند ما در اینجا بله به توانایی‌های فردی کودکان باید احترام قائل شویم به آن توجه کنیم ولی توجه کنید به عنوان یک فلسفه تدریس نمی‌توانیم بپذیریم. برای اینکه ما وجوه اشتراک داریم، وجوه اشتراکی تکوینی نه وجوه اشتراک عاریه ای و عارضی. ما ضمن این که کل کلاس را یکسان می‌بینیم کل می‌بینیم با هم می‌بینیم باید البته به مسائل فردی هم تا آن جایی که مقدور است توجه کنیم



این به معنای آن نیست که به آن توجه نکنیم ولی نمی توانیم الگوی تدریس مان را فردگرایانه کنیم. اینکه گفتم با بعضی ها مشکل داریم با بعضی موارد نه خوب توجه خاص به سالهای پر نفوذ و مهم پیش دبستانی این چقدر اهمیت دارد این در دنیا مطرح است الان. الان در دنیا متوجه شده اند شما پیش دبستان را دریابید، تربیت برای شما تحقق پیدا کند. این را فقط عنایت داشته باشید دوره پیش از دبستان در کشور ما همانگونه که عرض کردم یک دوره رسمی است اما دوره اجباری نیست چون رسمی است باید دریابیم چون رسمی است باید دریابیم قانون هم به ما از مهد کودک گفته محتوای آن را شما تعیین کنید توجه خاص به سالهای پر نفوذ و مهم پیش دبستانی باید ما هم توجه کنیم.

تاکید بر مهارت های زندگی خوب مهارت های زندگی خیلی عالی است ما روش های تدریسی انتخاب می کنیم کمک کند به مهارت های زندگی روش های تدریس ممکن است این طور نباشد روش های مهارت زاء، مهارت پرور حالا این مهارت زندگی وسیع است روش های تدریس ما باید مهارت شناس مهارت خیز مهارت پرور و مهارت بنیان باشد.

مهارت ها بعضی ها ذهنی اند بعضی ها یدی اند و بعضی ها اجتماعی اند. فقط من یکی اش را عرض می کنم مهارت برقراری ارتباط با یکدیگر چقدر مشکل داریم ، انصافا مشکل داریم. اینکه دو نفر سه نفر چهار نفر با هم ارتباط برقرار کنند ارتباط معقول و درست تیم تشکیل بدهند کار مشترک انجام دهند به مقصود برسند اینها ما خیلی وضع مان الان هم خوب نیست. در دانشگاه هم من می بینم خوب نیست، گیر است دیگر گیر فرهنگی مشکل آموزشی است به طرف می گویم مقاله بنویس مقاله می رود کار میکند می گویم ۳ نفر باشی فلان کار را انجام دهید کار خراب می شود. این به هر حال همان ارتباط برقرار نمی توانیم بکنیم. یا به طور فردی مهارت اندیشه ورزی شما می دانید مهارت اندیشه ورزی چقدر می تواند در رشد و تعالی انسان کمک کند. تفکر، تفکر تقویت شود حالا روش های تدریس ما باید مطمئن باشیم تفکر پرور است مراد این است دیگر یعنی این دلالت های بین المللی اینها را به ما می گوید با بعضی هایش هیچ مشکلی نداریم با بعضی ها مشکل داریم و با جرات باید با جاهایی که مشکل داریم بیان کنید بایستیم آن جاهایی را هم که مشکل نداریم صمیمانه بپذیریم البته قدری ارتباط برقرار می کند به اینکه حوزه مربوط چقدر اینها را شناخت دارد. یعنی فرض من این است که آن

حوزه عزیز ما حوزه X دارد کار می کند باید یک خبر مشخصی داشته باشد از متون علمی که در حوزه خودش چه میگذرد. و فناوری های جدید که نا آشنا هستند تراکم اطلاعات به منابع متعدد این تراکم اطلاعات به منابع متعدد روش تدریس شما چه اثری دارد؟ خوب شما الان دیگر ۵۰ سال پیش نیست چهل سال پیش نیست الان دیگر دانش آموز شما فرزند شما، فرزند بنده دیگر موبایل دستش است دیگر آنجا دارد اطلاعات مقاله و پیام منابع متعدد من هم می خواهم در کلاس تدریس کنم چه کار باید کنم این سوال است، روش های تدریسی که می خواهم در برنامه درسی نوین مطرح کنم این باید با یک تحلیلی از این مسئله طرح شود چیز پیچیده ای است البته قبول دارم کار سختی است الان فرزندان ما از ما بیشتر بلد هستند. حقیقتاً اینگونه شده است الان برای اینکه دائم با این منابع در اطلاعات مقالات مسائل بالاخره مرتبط اند.

چه کار کنیم؟ روش تدریس ما چگونه باشد بتوانند با این تراکم اطلاعات مواجهه منطقی داشته باشد؟ مسائل اجتماعی نظیر محیط زیست و غیره اینها پیامش به ما چیست؟ در روش تدریس ما پیامی ندارد؟ درست است که در محتوا اثر مستقیم می گذارد در سازماندهی اثر مستقیم می گذارد اما در روش تدریس هم اثر می گذارد من زمانی به شما عرض کردم یک مسئله مهمی که ما در جامعه مان داریم یکی از مسائل را عرض می کنم جامعه به طرف پیری دارد می رود این یک مسئله اجتماعی است اگر ما نتوانیم از طریق برنامه های درسی به دانش برسیم یعنی بر دانش آموزان اثر بگذاریم اینها شدند مادر، پدر، ازدواج کردند کمک بکنند به تولید فرزند و موالید و این ها اگر این اتفاق نیفتد جمعیت شناسان بررسی می کنند بعد از بیست-سی سال شما در خیابان های تهران شما فقط عصا بدست خواهید دید دیگر از جوان خبری نخواهد بود خوب جامعه بی جوان یعنی موتور خاموش البته جامعه بی پیر هم یعنی راننده نداشتن توجه کنید که هر کدام یک جایگاهی دارند. دانایان پیران حکمت ها نزد آن ها است اما تلاش و شور و پیش رفتن و قوت این ها مال جوانان است.

سوال روشهای تدریس چه نسبتی با ضرورت پرداختن به این مسائل دارد؟ ممکن است بگویند هیچ نسبتی ندارد مثلاً که دارد حالا بنده آن را عرض کردم چقدر مسئله ما داریم الان جامعه ما کم مسئله داریم؟ یادگیری های تلفیقی چه نسبتی با روش های تدریس ما دارد؟ خوب الان شما مستحضر هستید یادگیری تلفیقی یک امر تعارف بردار نیست الان در دنیا به

الان در دنیا به عنوان یک راهبرد است راهبرد غیرقابل اجتناب. نمی شود از آن گذشت خیلی چیز عجیبی است شیوه های بین رشته ای دارد در دنیا پیشرفت می کند اگر ما به آن توجه نکنیم عقب می مانیم از آن طرف اگر حوزه های تربیت و یادگیری که الان شما دارید کار می کنید به طرق مختلف به هم پیوند می خورند بخواهیم این پیوندها را برقرار کنیم چه باید بکنیم؟ روش های تدریس ما چگونه با این قضیه می خواهد مناسبت برقرار کند باید فکر کنیم. یادگیری تجربی یادگیری از طریق انجام دادن از طریق عمل مراد از تجربی این است در اینجا خوب بحث بسیار مهمی است مخصوصاً در دوره ابتدایی می خواهیم روش هایی را پیشنهاد دهیم آن روش ها آمیخته به عمل قاعدتاً باید باشند این را شما می دانید وقتی که انسان عمل می کند آموخته هایش نهادینه می شود. این قاعده را عنایت داشته باشید ما چیزی را عمل کنیم قاعده ها در وجود ما *internalize* می شود ، درونی می شود جوش می خورد با جان ما . در دروس فنی و حرفه ای و مهارتی کار و دانش و اینها آنجا خود عمل است در برخی از دروس اما در علوم انسانی هم متناسب با هر درسی باید در فکر عمل و تمرین و امثال اینها بود اختیارات وسیع معلم در فرایند یاددهی-یادگیری توجه کنید اینجا مراد چیست. الان در اغلب جاها در دنیا اختیارات معلم دارد زیاد می شود یعنی متوجه این معنا شده اند که معلم فقط اجرا نیست معلم فقط صرفاً وفادارانه اجرا کند کافی نیست باید معلم اختیار داشته باشد طراحی کند برنامه ریزی کند انتخاب محتوا کند و امثال اینها حالا ما در زیر چتر فطرت گرایی توحیدی چه نقشی در تدریس به معلم باید قائل شویم. یعنی همه روش های تدریس را بسته بندی کنیم که برایش بفرستیم؟ یا پیشنهاد دهیم یا بگوییم این روش ها را ما پیشنهاد می دهیم بقیه را خودت بساز چه باید بکنیم؟ یعنی چه اختیاراتی ما معتقدیم به معلم باید داده شود تا چه حدودی؟ یادگیری های زمینه ای که منظور اتصال یادگیری به محیط پیرامون است خیلی الان در دنیا مرسوم است شما تدریس می کنید این تدریس را به محیط پیرامونش وصل کنید. حالا محیط پیرامون از باغچه مدرسه گرفته تا محل تا سایر موارد. اتصال به محیط. یکی از مسائل ما این است که کار و دانش را اولاً با ملاحظات شغلی و ثانیاً با نگاه بومی باید انتظام دیگری ببخشیم حالا نگاه بومی یعنی اتصال به محیط یعنی متصل کنیم کار و دانش را به محیط پیرامونی در استان سیستان و بلوچستان مشاغلی وجود دارد معنا دارد که فرق دارد با استان اصفهان چه کار باید بکنیم این اتصال به محیط است دیگر خوب اینها هم در واقع آن منبع سومی است که عرض سومی است که عرض کردم که البته من خیلی مختصر بیان کردم.

**چهارم واقعیت های اجتماعی و فرهنگی و آموزشی است** یکسری واقعیت ها وجود دارد این واقعیت ها منبع چهارم ما را تشکیل می دهد این واقعیت ها از کشوری به کشور دیگر فرق می کند ممکن است یک سری واقعیت های مشترک هم باشد این واقعیت ها به ما می گوید که نسخه کلی تدریس نسخه شفا بخشی نیست با اینکه بنده اعتقاد دارم بخشی اش باید کلی باشد اما نسخه کلی تدریس بدهیم به معلم و تقاضا کنیم او به اجرا در بیاورد این همه تنوع این همه گرفتاری ها جالب نیست .

واقعیت های محدودکننده تدریس ما زیاد داریم آنجایی که می خواهیم درباره تدریس تصمیم بگیریم باید به این واقعیت ها توجه کنیم مثلاً تنوع فرهنگی. سوال، تنوع فرهنگی داریم یا نداریم؟ مگر کسی می تواند بگوید نداریم. تنوع فرهنگی داریم چه نسبتی بین تنوع فرهنگی و روش های تدریس ما باید برقرار شود؟ البته اینجا نکته ای که وجود دارد ما نمی خواهیم در اینجا دچار pluralism فرهنگی شویم اینکه خوب گفتم هوشمندانه باید برخورد کنیم اینجا است. نمی خواهیم بگوییم برای هر خرده فرهنگی یک حساب ویژه ای باید باز کنیم. می خواهیم بگوییم تنوع فرهنگی یک واقعیت است این واقعیت در تدریس ما در راهبردهای ما، آثارش چیست؟ زیر همان چتری که در آن قرار داریم ما که نمی خواهیم تحجر آمیز برخورد کنیم عنایت داشته باشید در آن کتاب هم بنده نوشته ام به شما یادآوری می کنم این جمله هم شاید نمی دانم کسان دیگر از این زاویه برخورد نکرده اند تعلیم و تربیت را از دو دشمن باید نگه داریم دو تا خصم باید نگه داریم برنامه های درسی را: یکی اباحی گری و دیگری تحجر.

اباحی گری یعنی پایبند به هیچ اصلی نبودن هرچه پیش آید خوش آید معتقد به انضباط نبودن معتقد به اصل نبودن و دومی تحجر. تحجر یعنی اینکه ما به یک سری واقعیت ها بی اعتنا باشیم مثلاً به رشد علمی در دنیا بی اعتنا باشیم. این تحجر است ما از علم استفاده می کنیم به واقعیت ها توجه می کنیم ولی هوشیاری خودمان را از دست نمی دهیم آن زمانی که رسول خدا فرمودند بروید علم یاد بگیرید ولو در چین باشد در چین که تفسیر قرآن نمی گفتند که در چین همین ابزار و

ادوات معمولی بود ولی فرمود بروید یاد بگیرید ولو در چین باشد الان هم بگوییم بروید یاد بگیرید ولو در غرب باشد ولی هوشمندانه یاد بگیرید هوشیاری خودتان را از دست ندهید اگر هوشیاری خودمان را از دست بدهیم باختیم. حالا چه در سیاست چه در اقتصاد چه در علم چه در تحقیق فرقی نمی کند.

تفاوت در توانایی معلمان یکسانند؟ این یک واقعیت است چه کار کنیم؟ تراکم بالای کلاس. کلاس های چند پایه. کلاس های چند پایه چقدر برای معلم مسئولیت دارد. در کلاس های چند پایه باید ما به هر حال به یک مدلی برسیم و اجرا کنیم لزوم تنوع روش ها ضرورت اختیار معلم در انتخاب روش استفاده از شبکه های اجتماعی در تبادل تجربیات و... الان تدریس محاط در این شبکه ها است چه باید کرد؟ در روش های تدریس روش تدریس ما فن تدریس ما چگونه ارائه شود که فردا یک برگ برنده ای دانش آموز جلوی معلمش نگذارد بگوید من بردم. خیلی بد است دیگر تکرار شود بالاخره یک معلم است آنها دانش آموزان اند خوب این هم واقعیت های اجتماعی.

۴ منبع گفتیم خوب این چهار منبع با هم نقطه تلاقی دارند همراهی دارند، نسبت های متعددی دارند ولی از این که هر چهار، منبع هستند شکی نیست یعنی نمی توانیم یکی از این ها را بی اعتنا باشیم اما اعتنائی مدیریت شده باید داشته باشیم

این چهار منبع را داریم از هر یک از این چهار منبع یک مجموعه توصیف هایی در اختیار داریم همان باهم نگری و تحلیل منابع را باید اینجا هم داشته باشیم اینجا یک کار کارشناسی عمیقی در حوزه باید صورت بگیرد می خواهید شما روش تدریس انتخاب کنید فرض بر این است که آن چهار منبع را تا حدودی در اختیار دارید یا اعضای در شورای شما وجود دارد که در اختیار دارند باهم نگری و تحلیل باید داشته باشید یک کار کارشناسی خیلی همه جانبه است اینجا است که هر قدر شورای شما قوی تر باشد اینجا قوت بالاست.

یک حوزه ای البته اینکه اتفاق نیفتاده الحمدلله فرض است دیگر مثلاً یک حوزه ای مسئول حوزه های بگوید که حالا دیگر آدمش را پیدا نکردیم من و آقای فلانی می نشینیم همه اینها را انجام می دهیم مثلاً شما مطمئن باشید که از همان ابتدا شکست خوردند ما چقدر خون دل خورده ایم بعد آقای دکتر محبی و دیگران آقا شورای برنامه ریزی درسی این است شورای راهبری داریم. ریشه در یک واقعیتی داشت. آن ابتدا که بنده آمدم مشغول همان بحث حوزه ها شدن آن زمان این

پایه ها را ریختیم هر حوزه یک شورایی می خواهد شوراها آن بالا شورای راهبری و امثال اینها. اینها برای این بود که این کارها درست انجام شود باهم نگری و تحلیل بعد حالا اگر این کار را انجام دادیم به یک روش های عام تدریس می رسیم. این روش های عام تدریس هم عرض کرده ام روش هایی است که محدود به یک حوزه خاص نیست در همه حوزه ها چه بسا قابل استفاده باشد ولی حد نخورد

**بعد روش های خاص حوزه .** از روش های عام تدریس به روشهای خاص حوزه تربیت و یادگیری که کار شما است در اینجا هدف های تربیت و یادگیری حوزه مربوط به شما در اینجا تعیین کننده است اینجا دیگر نیاوردم یعنی شما روش های خاص تدریس را چگونه تعیین می کنید با الهام از چه؟ هدفهای خودمان هدفهای خود آن حوزه خوب هدف ها را قبلا طراحی کرده اید که به روش رسیده اید دیگر و محتوا شما با اثرپذیری از آنها روشهای خاص تان را مشخص می کنید حالا به یک روش هایی رسیدید یک اعتبار یابی می کنیم این اعتبار یابی هم در همان حوزه خودتان با یک جمعیت وسیع تر حدود ۳۰ نفره می توانید این را اعتباریابی کنید دعوت کنید افراد اهل نظر حوزه خودتان را یک اعتبار یابی کنید مطمئن شوید این در واقع ساختار تعیین روش ها بود که من برای شما تدارک دیده بودم روی آن فکر کرده بودم شاید ساعت ها من روی این ها تأمل کردم خدمت شما تقدیم کنم اما آنچه که می خواهم باز تکرار کنم این است که این پیشنهاد است نسخه نیست من گفتم حاصل فکر خودم را با شما در میان بگذارم چون این عهد را بسته ام از آن ابتدا که آمدم به سازمان این عهد را بسته ام در دو مسیر خدمت شما باشم یک مسیر مسیری اداری و مدیریتی کارهای خودم را انجام دهم یک مسیر هم مسیر هم اندیشی آموزشی و این هم داریم دنبال می کنیم الحمدلله بی ثمر و بی نتیجه هم نیست جلسه آینده وارد ارزشیابی خواهیم شد .